

**ارزیابی تأثیر تحریم‌ها در سطح کلان بر شاخص‌های مختلف رفاه
(مطالعه موردی: شهر ایلام)**

علی حیدری‌زادی^۱، رضا کاوند^۲، غلامرضا تاجبخش^۳

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، ایران

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، ایران

۳. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر تحریم‌ها در سطح کلان بر شاخص‌های مختلف رفاه می‌باشد. جامعه این پژوهش خانوارهای شهر ایلام بودند که از بین خانوار، سرپرست خانوار گروه هدف را تشکیل می‌دهد. که در نهایت ۷۸ خانوار به عنوان نمونه آماری به روش خوشه‌ای تعیین گردید. در این پژوهش متغیرهای اقتصاد کلان (رشد اقتصادی سرانه، تورم، بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی) که دارای اثرپذیری بالایی از تحریم‌ها هستند در فرایند شاخص‌سازی تحریم مورد بهره‌برداری قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحریم‌ها در سطح کلان باعث افزایش تورم، بیکاری، و کاهش نرخ مشارکت اقتصادی شده است.

واژه‌های کلیدی: بیکاری، تحریم، تورم، مشارکت اقتصادی

مقدمه

تحریم یا به عبارت درست‌تر مجازات‌های اقتصادی، محدودیت‌های اقتصادی و بازرگانی گسترده یا محدودی هستند که توسط یک کشور (یا گروهی از کشورها) علیه کشوری دیگر وضع می‌شود. تحریم‌های اقتصادی دارای مصداق‌های گوناگونی هستند و شامل وضع تعرفه‌ها، ایجاد موانع تجاری، محدودیت و یا سهمیه بندی واردات و یا صادرات است. (ا قدم نجیبه، ۱۳۹۴، ۱)

تحریم‌ها بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به انواع و اشکال مختلف اثر می‌گذارد. با در نظر گرفتن نظریه‌های وابستگی هر چه میزان وابستگی یک کشور بیشتر باشد رنج و محنت حاصل از تحریم هم در آن بیشتر خواهد بود. (استادزاد، ۱۳۹۱، ۲۳)

هدف تحریم‌های یک جانبه آمریکا و کشور های غربی بر ایران در بالاترین سطح، ایجاد زمینه افزایش فشار اقتصادی بر مردم و ایجاد نارضایتی و در نتیجه عامل ناآرامی، اعتراض است که در پی آن، متضرر شدن حکومت و افزایش فاصله میان مردم و حکومت باشد. (عبدلی، ۱۳۸۸، ۵۳)

با توجه به مدل کراوفورد (۱۹۹۹)، تحریم در مولفه‌های مختلفی بر روی زندگی افراد جامعه در طبقات مختلف تاثیر گذار هستند. بر اساس این مدل، مولفه‌های مهم شامل:

۱- وادار کردن است که آن با افزایش هزینه در بین وابستگان اقتصادی و نظامی همراه است و در شرایطی که نخبگان عامل تصمیم‌گیری باشند منطقاً تصمیم می‌گیرند که خطومشی خود را تغییر دهد.

۲- ارتباطات هنجاری است که از طریق استدلال و اقناع نخبگان متوجه هنجار عمل می‌کند و از طریق بایکوت فرهنگی اعمال می‌شود. این تحریم اثر اقتصادی اولیه ندارد و در کشوری مثل ایران که از نظر هنجاری از دنیا جد است خیلی کارکرد ندارد.

۳- جلوگیری از دسترسی به منابع است که باعث کاهش قابلیت حکومت می‌شود و چهارمی فروپاشی سیاسی است که از طریق ایجاد بحران مشروعیت عمل می‌کند.

از مهم‌ترین اثرات تحریم در مناطقی نظیر شهر ایلام با درآمد محدود و مشخص خانوارها، تاثیر مستقیم تحریم بر روی بر مخارج خانوار است. تغییر در مخارج خانوار به دلیل مسائل اجتماعی مهم است. تحریم در ایران سبب تخصیص یارانه نقدی، کاهش درآمد حقیقی و افزایش دارایی‌ها شد. در دوره ۸۹ تا ۹۱ و از سال ۱۳۹۶ تاکنون در جریان است، سبب شده که دهک‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ به دلیل افزایش دارایی‌ها و دهک

۱۰ به دلیل دریافت یارانه رشد اقتصادی داشتند از تحریم‌ها به میزان بسیار اندکی ضربه خورده و اما دهک‌های میانی و طبقه متوسط بیشترین ضربه را از تحریم‌ها دیدند. با افزایش تنگناهای اقتصادی، ما شاهد توسعه تحریم‌های غرب و بویژه آمریکا برای تاثیر گذار بر روی استقلال کشور و ایجاد تنگناهای معیشتی برای مردم می‌باشیم که این موضوع می‌تواند در توسعه بحران‌های اجتماعی در استان نقش داشته باشد. با توجه به مطالب مطرح شده هدف اصلی این تحقیق بررسی رابطه تحریم‌ها در سطح کلان و شاخص‌های رفاه می‌باشد.

ادبیات تحقیق

۱- تحریم

در ادبیات تحریم تعریف واحدی برای آن وجود نداشته و اندیشمندان علوم سیاسی، اقتصادی و حقوق هر یک از زاویه دید خود تعاریف متفاوتی برای آن ارائه نموده‌اند. مثلاً مالوی^(۱۹۷۹) از متخصصین حقوق بین‌الملل اعتقاد دارد که تحریم سلسله اقدامات بدون استفاده از قوای تهدید بر علیه کشور هدف یا فرد موردنظر می‌باشد. از نظر کارتر^(۱۹۸۹) دیگر متخصص حقوق بین‌الملل، تحریم اقدام اجباری علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌ها یا دست کم نمایش ایده‌های یک کشور در قبال سیاست‌های دیگر کشورهاست. براساس تعریف فرهنگ علوم سیاسی آمریکا، تحریم عمل تنبیهی جمعی است که با اقدامات دیپلماتیک، اقتصادی یا نظامی بر علیه یک کشور همراه است، همچنین تحریم را می‌توان عمل تنبیهی توسط یک کشور علیه کشور دیگر برای تلافی رفتار قبلی غیر قابل پذیرش تعریف کرد (طباطبائی، ۱۳۹۱). بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت تحریم اهرم فشاری برای سوق دادن یک کشور و یا یک گروه به سمت تمایلات کشور و یا گروه اعمال‌کننده تحریم است. تحریم‌های اقتصادی به طور کلی جریمه‌هایی اقتصادی در تلاش برای تغییر رفتار سیاسی یک دولت محسوب می‌شوند. بنابراین تحریم‌های اقتصادی اقداماتی سیاسی هستند زیرا به عنوان ابزارهای اقتصادی سیاست خارجی که منجر به تغییراتی در سیاست‌های داخلی و یا خارجی یک دولت می‌شوند و یا برای تضعیف اقتدار یا ثبات آن حکومت، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در توجیه تحریم، دلایل فراوانی ذکر می‌شود که عبارتند از: تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌ها یا حتی تغییر نظام یک کشور، تنبیه و یا مجازات یک کشور به علت سیاست‌های آن. صرف‌نظر از این دلایل، در برخی موارد تحریم‌ها به این دلیل برقرار می‌شوند که کشور تحریم‌کننده احساس می‌کند بایستی برای جلب نظر دیگران اقدامی بکند و این تحریم‌ها می‌تواند کمتر جنجال برانگیز باشد. در این حالت، به نظر می‌رسد اقدام سیاسی به اندازه کافی موثر نباشد، در عین حال توسل به نیروی نظامی نیز اقدامی افراطی محسوب می‌شود. منطق دیگری که در برقراری تحریم‌های اقتصادی از آن یاد شده است، نشان دادن تصمیم و اراده برای اقدام است. اغلب برای اینکه یک کشور تصمیم و اراده خود را به منصفه ظهور برساند، به برقراری تحریم مبادرت می‌ورزد.

انواع تحریم از لحاظ تعداد کشورهای تحریم‌کننده به قرار ذیل هستند:

تحریم یک‌جانبه: تحریمی است که فقط از طرف یک کشور علیه کشور هدف وضع می‌گردد. از دیدگاه تاریخی، این نوع تحریم دارای پیشینه‌ای ضعیف در دستیابی به اهداف امنیت ملی و دیگر خواست‌های سیاست خارجی می‌باشد.

تحریم چندجانبه: تحریمی که در اعمال آن بیش تر از یک کشور سهیم است. در مقایسه با تحریم یک جانبه، تحریم چندجانبه، بار مالی و تجاری شدیدی را به کشور هدف برای تغییر سیاست مورد اعتراض وارد می‌سازد. چرا که کشور هدف امکان یافتن جانشین برای کم کردن زیان اقتصادی را ندارد. همچنین بخش بزرگی از تولید ناخالص ملی این کشور به واسطه ی نیاز به مراودات تجاری و سرمایه‌گذاری بین‌المللی تحت تاثیر تحریم واقع خواهد شد.

انواع تحریم از لحاظ اقتصادی یا غیراقتصادی به قرار ذیل هستند:

تحریم غیراقتصادی: این نوع تحریم بر مبنای بی‌توجهی به اعتبار و حق کشور هدف در صحنه بین‌المللی می‌باشد.

تحریم اقتصادی: هر قیدی که به وسیله کشور فرستنده بر تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی کشور هدف، در راستای وادار ساختن تغییر سیاستی وضع شود، تحریم اقتصادی نام دارد.

۲- رشد اقتصادی

جهان دارای اقتصادهایی بسیار متفاوت است. برخی کشورها ثروتمند و برخی دیگر فقیر هستند. رشد اقتصادی برخی از این کشورها سریع و برخی کند رشد می‌کنند و برخی دیگر رشدی ندارند، حتی برخی کشورها با نرخ رشد منفی روبرو هستند. با این وجود، رشد بالا از جمله اهداف مهمی است که اقتصادها به دنبال آن می‌باشند. علت این مسئله به دلیل وجود منافع و مزایایی (همانند بهبود و ارتقای سطح زندگی، کاهش فقر و بیکاری) است که در روند رشد تحقق می‌یابد. اما دستیابی به نرخ رشد اقتصادی بالا و پایدار نیازمند پاسخ به این سؤال است که چه عواملی نرخ رشد اقتصادی را تعیین می‌کند؟ و یا نرخ رشد اقتصادی چگونه از طریق عوامل و سیاست‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌گیرد؟ (درگاهی، قدیری ۱۳۸۲، ۳)

نرخ رشد اقتصادی یک کشور برای رفاه اجتماعی شهروندان آن از چنان اهمیتی برخوردار است که تنها عوامل بسیار معدودی را می‌توان نام برد که از اهمیتی معادل آن و یا بیشتر از آن برخوردار باشند. نرخ رشد مثبت در کشورهای غنی به معنی درآمد بالاتر، سود بیشتر، اشتغال بیشتر و فرصت‌های کسب و کار گسترده‌تر است. در کشورهای فقیر نیز نرخ رشد مثبت می‌تواند مردم آن کشور را از فقر خارج سازد. در واقع یک درصد افزایش GDP سرانه درآمد ۲۰ درصد از فقیرترین افراد جامعه را یک درصد افزایش خواهد داد. (برانسون، ۱۳۸۸، ۶۹۴-۶۹۲)

بدین ترتیب نرخ رشد اقتصاد یک کشور بسیار حائز اهمیت بوده و شاید حتی یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر رفاه اجتماعی انسان‌ها باشد. لیکن در خصوص اینکه چه عواملی بر نرخ رشد یک اقتصاد موثرند بحث‌های بسیاری در میان اندیشمندان علم اقتصاد جاری است. سالای-مارتین (۲۰۰۴) معتقد است که با وجود اهمیت بسیار زیاد نرخ رشد اقتصاد تعیین‌کننده‌های نرخ رشد یک کشور هنوز یکی از

بزرگترین رازهای اقتصاد است. با وجودی که بزرگترین نوایع اقتصاد در دو قرن اخیر بسیار تلاش کرده اند تا توضیح دهند چه کارهایی می توان انجام داد تا نرخ رشد یک کشور افزایش یابد اما هنوز تعیین کننده های نرخ رشد ناشناخته باقی مانده اند.

۳- تورم

پدیده تورم در بیشتر کشورهای جهان کم و بیش وجود دارد؛ اما نرخ آن در جوامع و در زمان های گوناگون متفاوت است. این پدیده در دوره های اخیر در کشورهای توسعه یافته کمتر مشکل آفرین بوده است زیرا این کشورها گرفتار تورم شدید و مزمن نیستند؛ اما کشورهای در حال توسعه با تورم های شدید مواجه اند که آثار منفی بسیاری مانند افزایش نابرابری در توزیع درآمد، افزایش مصرف، کاهش پس انداز و سرمایه گذاری، انحراف منابع به تولید کالاها و خدمات غیرضروری، کاهش رشد اقتصادی و گسترش انواع فسادهای مالی و اداری را به دنبال دارد (سرآبادانی، ۱۳۸۵).

صاحب نظران اقتصادی در مقام تبیین علت بروز تورم، نظریات گوناگونی به شرح ذیل ارائه کرده اند:

۱. **تورم ناشی از فشار تقاضا:** وقتی تقاضای کل بالفعل در جامعه نسبت به عرضه کل در حالت اشتغال کامل فزونی می یابد، سطح عمومی قیمت ها افزایش می یابد. یعنی تغییر عرضه پول هر مقداری باشد به همان نسبت، قیمت ها نیز افزایش می یابند. افزایش حجم پول در اثر سیاست های پولی انبساطی نامناسب، باعث افزایش تقاضای کل شده و سطح عمومی قیمت ها را افزایش می دهد (تفضلی، ۱۳۷۶).

۲. **تورم ناشی از فشار هزینه ها:** در این نظریه برخلاف مکتب کینز و مکتب پولی که فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل در شرایط اشتغال کامل را منشأ تورم می دانند، در این شرایط اگرچه فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل وجود ندارد، ولی قیمت ها افزایش می یابد و افزایش قیمت باعث کاهش تقاضای کل و کاهش تولید و افزایش بیکاری خواهد شد؛ پس در این شرایط تورم همراه با رکود است (طیبنیا، ۱۳۸۴: ۷۹ و ۸۰).

۳. **تورم وارداتی:** عامل دیگر بروز تورم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، واردات است. تورم موجود در کشورهای صادرکننده از طریق افزایش قیمت کالاها، مصرفی، واسطه ای و مواد اولیه که نوع این کشورها (در حال توسعه) واردکننده آن می باشند، به این کشورها وارد می شود. بنابراین یا از طریق شاخص کل بهای کالاها، مصرفی و یا از طریق افزایش هزینه های تولید باعث افزایش سطح عمومی قیمت ها می شوند (طیبنیا، ۱۳۸۴: ص ۹۰).

۴. **تورم ساختاری:** عامل دیگری که در اکثر کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باعث پیدایش فشارهای تورمی می شود، عامل ساختاری است. مهم ترین تنگناهای اقتصادی که باعث تورم ساختاری می شوند عبارتند از: کشش ناپذیری عرضه مواد غذایی، کمبود ارز، چسبندگی در ساختار درآمدهای

مالیاتی و مخارج دولت، محدودیت عرضه نهاده‌های واسطه‌ای و ناتوانی در افزایش پس‌اندازهای داخلی (طیبنیا، ۱۳۸۴: ۲۲۰ و ۲۲۱).

میلتون فریدمن اقتصاددان آمریکایی نخستین کسی بود که اظهار داشت مالیات‌های بسیار سنگین و افزایش حجم پول (که بر اثر اجرای توصیه‌های کینز حادث شده بود) به شکست می‌انجامد. در سال‌های هفتاد میلادی این پیش‌بینی به واقعیت پیوست. تورم و بیکاری همان‌گونه که فریدمن گفته بود کار را به جایی رساند که اقتصاددانان مکتب کینز دیگر حرفی برای گفتن نداشتند چون آن‌ها به پیروی از تئوری‌های کینز عادت کرده بودند، یعنی هرگاه بیکاری زیاد از حد می‌شد، افزایش حجم پول و هزینه‌های دولتی را توصیه می‌کردند و هرگاه تورم چیره می‌شد عکس آن سیاست معرفی می‌کردند. فریدمن برعکس، معتقد بود که اشکال اساسی، دخالت دولت در اقتصاد است و پیروی از این نوع سیاست‌ها کار را به جایی می‌رساند که تورم و بیکاری هر دو در آن واحد دامن‌گیر اقتصاد ملی می‌شوند. این پیش‌بینی فریدمن در سال‌های هفتاد میلادی واقعیت پیدا کرد. او به این مناسبت در سال ۱۹۷۶ برنده جایزه نوبل در اقتصاد شد. یکی از اساسی‌ترین تحقیقات فریدمن درباره ارتباط میان حجم پول و نرخ تورم است. از دید او دلیل اصلی تورم افزایش بیش از حد حجم پول است. این باور فریدمن درست در نقطه مقابل نظریه کینز است. راه‌حل پیشنهادی هم عکس راه‌حل پیشنهادی کینز است. به اعتقاد فریدمن هنگامی که اقتصاد یک کشور دچار تورم می‌شود علت اصلی را باید در هزینه‌های دولت و خلق بی‌وجه پول یافت و برای مهار آن باید دولت را وادار کرد که از حجم خود و هزینه‌هایی که به اقتصاد تحمیل می‌کند را بکاهد (تقوی و همکاران، ۱۳۸۹).

پیشینه تجربی تحقیق

مرزبان، حسین، (۱۳۹۴)، به تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم‌یافته تصادفی پرداخت.

اعمال تحریم‌های مختلف بر اقتصاد ایران اثرات نامطلوبی بر تولید و رفاه اجتماعی به‌جای گذاشته‌اند، اما در کمتر مطالعه‌ای به کمی کردن تاثیر شدت تحریم‌ها بر تولید و همچنین رفاه اقتصادی پرداخته شده است. هدف این تحقیق در ابتدا بسط یک الگوی رشد تعمیم‌یافته با وجود تحریم و نرخ ارز تصادفی است. پس از بسط الگو، سه سناریو با توجه به نوع تحریم برای اقتصاد ایران تعریف شده که در آنها اثرات تحریم‌ها بر سطوح تولید و رفاه اجتماعی بررسی می‌شود. در الگوی بسط داده شده، تحریم‌ها به دو دسته تحریم‌های نفتی و تحریم‌های کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای تقسیم شده‌اند. با استفاده از تابع ارزش تصادفی همیلتون بلمن ژاکوبین (SHBJ) و همچنین روش بهینه‌سازی تکاملی الگوریتم ژنتیک در سه سناریو تغییرات تولید و رفاه اجتماعی در وضعیت یکنواخت برای اقتصاد ایران کالبره و بررسی شده است. نتایج نشان‌دهنده این موضوع است که در سناریوی اول تحریم‌ها بیشتر بر تولید اثر خواهد کرد در حالی که در سناریوی دوم که تحریم‌های نفتی اعمال می‌شود، اثر آنها بر رفاه اجتماعی محسوس‌تر می‌شود. در

سناریوی سوم که ترکیبی از تحریم‌های فروش نفت و کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای اعمال شده، تأثیر تحریم‌ها نسبت به دو سناریوی قبلی بسیار وسیع‌تر خواهد بود. براساس تولید تحقق یافته سال ۱۳۹۰ شدت تأثیر تحریم‌های نفتی کاهشی معادل ۳۰ درصد در تولید ناخالص داخلی داشته و اعمال انواع تحریم‌ها بین ۳۰ تا ۵۰ درصد در کاهش تولید ناخالص داخلی نقش داشته‌اند.

رجبی، اعظم، (۱۳۹۵)، به بررسی تأثیر تحریم اقتصادی بر رفاه اجتماعی مردم پرداخت. موضوع تحقیق بررسی تأثیر تحریم اقتصادی بر رفاه اجتماعی مردم و هدف اصلی پژوهش نیز همین موضوع است. در پی پاسخگویی به این سوال ما با استفاده از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات پرداختیم. جامعه آماری ما در این پژوهش خانوارهای شهر تهران بودند که از بین خانوار، سرپرست خانوار گروه هدف ما را تشکیل می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت زندگی مردم بعد از تحریم بدتر شده است، قدرت خرید و درآمد آنها کاهش یافته است. میزان دسترسی مردم به برخی کالاها کاهش پیدا کرده، هم چنین وضعیت امکانات بهداشتی و درمانی و کیفیت آنها نسبت به قبل از تحریم بدتر شده است. یافته‌های تأثیر تحریم‌ها بر رفاه ذهنی هم به این صورت است که بعد از تحریم احساس محرومیت نسبی مردم بیشتر شده است، احساس شادی مردم کمتر شده و وقت کمتری را برای شاد بودن در کنار خانواده دارند، احساس رضایت از زندگی آن‌ها کاهش پیدا کرده و احساس نگرانی زیادی در مورد آینده و وضعیت شغلی و مالی خود دارند. نتیجه‌ای که می‌توانیم داشته باشیم این است که تحریم‌ها تأثیر زیادی بر رفاه عینی و ذهنی مردم داشته است و رفاه اجتماعی مردم ایران را کاهش دادند، اگر هدف تحریم اقتصادی را تحت فشار قرار دادن مردم کشور مورد تحریم بدانیم این هدف در مورد مردم ایران محقق شده است و با نظرسنجی از مردم می‌توانیم تأثیر داشتن تحریم در رفاه اجتماعی را مورد تأیید قرار دهیم.

ریچاردسون (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان برداشتن تحریم‌های اقتصادی علیه ایران اثرات جهانی و پاسخ‌های استراتژیک انجام داد این مقاله از مدل شبیه‌سازی موازنه عمومی جهانی برای تعیین میزان اثرات برداشتن تحریم‌های اقتصادی علیه ایران با و بدون پاسخ‌های استراتژیک استفاده می‌کند. ایران بیشترین سود را می‌برد، با میانگین سرانه رفاه که از ۳ درصد، در حالتی که نفت خام ایران به اتحادیه اروپا صادر شده و به سطح نیمی از پیش از ممنوعیت آنها برسد، به ۵.۶ درصد خواهد رسید، در بهترین حالت از ریکاوری کامل صادرات نفت به اتحادیه اروپا، اصلاحات داخلی موفقیت‌آمیز که یک پاسخ تامین قوی و افزایش دسترسی ایران برای صادرات ایران در بازارهای توسعه یافته را افزایش دهد. ایران می‌تواند مزایایی نزدیک به بالاتر از این دامنه دست پیدا کند اگر صادرکنندگان نفت شورای همکاری خلیج فارس صادرات نفت خام خود را محدود کنند تا از قیمت نفت حمایت کنند. اگر آنها کاری انجام ندهند، قیمت نفت تا ۱۳

درصد کاهش پیدا می کند اگر ریکاوری کامل صادرات نفت به اتحادیه اروپا انجام شود و این امر به سود واردکنندگان و به ضرر صادرکنندگان نفت خام می شود.

روش تحقیق

این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش به دو روش توصیفی-پیمایشی و توصیفی مقطعی انجام می شود. در این پژوهش محقق در نظر دارد از جنبه های مختلف اقتصاد خرد و کلان به بررسی و ارزیابی تاثیر عملی و روانی تحریم ها بر روی شرایط و وضعیت اجتماعی افراد در شهر ایلام بپردازد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه خانواده ها در شهر ایلام در سال ۹۸-۱۳۹۷ می شود. به منظور نمونه گیری از مناطق شهر ایلام (شما، جنوب، شرق، غرب، مرکز)، تعداد ۱۶۰ خانوار به روش تصادفی انتخاب شده است. که در نهایت از کل شهر ایلام ۸۰ خانوار با روش خوشه ای- تصادفی به عنوان نمونه امار تعیین گردید که پس از توزیع پرسشنامه تنها ۷۸ پرسشنامه پاسخ داده شد. از آنجایی که پرسشنامه این تحقیق محقق ساخته بوده و علاوه بر آن سئوالات آن به رویت استاد راهنما رسیده و مطابق با نظرات آنان اصلاحات اندکی به خصوص در ترجمه و معادل سازی به عمل آمده است لذا روایی آن به طریق محتوایی حاصل شده است. در بررسی حاضر، آزمون پایایی متغیرهای مدل به وسیله آزمون متداول دیکی- فولر تعمیم یافته انجام می شود.

جدول ۱: نتایج آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته

متغیر	سطح				تفاضل مرتبه اول	
	مقدار آماره	P-VALUE	نتیجه آزمون	عرض از مبدا و روند	نتیجه آزمون	عرض از مبدا و روند
رشد اقتصادی	-۱۸۵.۲	۴۸۵.۰	ناایستا	دارد	۰۱۰۴.۰	ایستا
تورم	-۱۴۰.۲	۵۰۸.۰	ناایستا	دارد	۰۴۸.۰	ایستا
بیکاری	-۰۱۸.۲	۵۷۳.۰	ناایستا	دارد	۰۰۷.۰	ایستا
نرخ مشارکت اقتصادی	-۰۸۵.۲	۵۳۸.۰	ناایستا	دارد	۰/۰۱۴	ایستا

با توجه به نتایج به دست آمده می توان ملاحظه نمود که تمامی متغیرها با یک مرتبه تفاضل گیری مانا شده اند. با توجه به این که متغیرهای مدل در سطح، نامانا هستند تخمین مدل در سطح متغیرها ممکن است باعث تخمین رگرسیون کاذب شود و با تفاضل گیری اطلاعات ارزشمندی از بین رود. این جاست که می توان از هم انباشتگی استفاده کرد تا بتوان رگرسیون را بدون هراس از کاذب بودن بر اساس سطح متغیرهای سری زمانی برآورد کرد.

یافته‌های تحقیق

فرضیه تحقیق: بین تحریم‌ها در سطح کلان و شاخص‌های رفاه (رشد اقتصادی سرانه، تورم، بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی) در استان ایلام ارتباط وجود دارد.

جدول ۲: بررسی رابطه وجود تحریم در سطح کلان و شاخص‌های رفاه

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
تحریم در سطح کلان	رشد اقتصادی سرانه	-۰/۳۱۸	۰/۰۰۰
	تورم	۰/۲۱۶	۰/۰۴۲
	بیکاری	۰/۶۲۱	۰/۰۰۱
	نرخ مشارکت اقتصادی	-۰/۳۱۲	۰/۰۳۷

با توجه به نتایج به دست آمده از جدول فوق می‌توان گفت که بر اساس سطح معنی داری به دست آمده دو متغیر تحریم‌ها در سطح کلان و رشد اقتصادی سرانه (۰/۰۰۰) که کوچکتر از سطح خطای ۰/۰۵ می‌باشد بین دو متغیر رابطه وجود دارد که با توجه به ضریب به دست آمده (-۰/۳۱۸) می‌توان گفت که تحریم‌ها در سطح کلان باعث کاهش رشد اقتصادی سرانه خواهد شد.

در رابطه با دو متغیر تحریم‌ها در سطح کلان و تورم با توجه به سطح معنی داری به دست آمده (۰/۰۴۲) که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه وجود دارد که بر اساس ضریب همبستگی به دست آمده (۰/۲۱۶) می‌توان گفت تحریم‌ها در سطح کلان باعث افزایش تورم شده است.

همچنین بر اساس سطح معنی داری دو متغیر بیکاری و نرخ مشارکت اقتصادی در رابطه با تحریم‌ها در سطح کلان نیز می‌توان گفت که تحریم در سطح کلان باعث افزایش بیکاری و همچنین کاهش نرخ مشارکت اقتصادی شده است.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که در علم اقتصاد کلان، دو دسته از موضوعات بررسی می‌شود. یکی، رشد درازمدت اقتصادی که در علم اقتصاد نئوکلاسیکی عوامل اصلی مؤثر بر آن عبارت‌اند از انباشت سرمایه، نیروی کار، سرمایه انسانی و تکنولوژی. دوم، نوسانات اقتصادی در کوتاه‌مدت. در اینجا، دوره‌های رکود و رونق اقتصادی، با توجه به شاخص‌های تورم و بی‌کاری مورد بحث قرار می‌گیرد. اقتصاد کلان ابتدا برای تبیین علل رکود اقتصادی سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۲ توسط اقتصاددان نام‌آور بریتانیایی، جان مینارد کینز بنیان‌گذاری شد و تا امروز اساساً مربوط به عملکرد اقتصادهای پیشرفته صنعتی بوده است. از این‌رو فرض اقتصاد کلان این است که چارچوب‌های نهادی اقتصاد سرمایه‌داری وجود دارد

و سازوکار اقتصاد بازار بر جامعه حاکم است. در این کشورها عموماً دولت‌های مبتنی بر دموکراسی مستقر هستند و ابزارهای دولت در زمینه مقابله با نوسانات اقتصاد کلان مربوط به اعمال سیاست‌های پولی، ارزی، مالی و احیاناً سیاست‌های تجاری می‌شود. در نحله‌های فکری مختلف اقتصاد کلان، نواقص بازارهای کالا، کار و بازارهای مالی به رسمیت شناخته می‌شود.

در تجربه اثرگذاری تحریم‌ها در جوامع مختلف از جمله ایران، طی سالیان آتی شاهد رفتارهای مختلفی از سوی جوامع در مواجهه با این پدیده و مسئولان به‌عنوان تحریم‌سازان آینده بوده‌ایم. این واکنش‌های عمومی شامل فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد مانند سفته‌بازی در اقتصاد و هجوم به کالاهای مصرفی تا بی‌توجهی و عادت به اثر تحریمی می‌باشد؛ جنبه‌های دیگری هم مانند کنش‌های اجتماعی و همراهی مردم با حکومت‌های تحریم‌شده تا درگیری مردم با نیروهای دولتی، طیف متنوعی از بازخوردها را ایجاد کرده است که با توجه به شرایط زمانی و مکانی، هر یک از این واکنش‌ها از سوی جامعه هدف ممکن به نظر می‌رسد. در بررسی آثار تحریم‌ها می‌توانیم از دو سطح اثرگذاری عینیت تحریم بر ذهنیت و اثر ذهنیت تحریم بر عینیت آن نام ببریم. اگرچه اثرگذاری عینیت تحریم‌ها بر ذهنیت عمومی نسبت به حاکمیت و آینده جامعه بیشتر موضوعی اقتصادی است اما اثر ذهنیت تحریم‌ها بر عینیت اجتماعی آن موضوعی است که مربوط به جهت‌گیری‌ها و برخورد نخبگان قدرت با مردم می‌باشد، این تعامل بین اثر روانی و واقعیت تحریم‌ها در آینده تحریم، خود را باز تولید می‌کنند؛ به این معنا که نوع آمادگی مردم و حافظه تاریخی جامعه تا حدود زیادی مشخص‌کننده اثرگذاری تحریم‌ها خواهد بود و در صورتی که جامعه آمادگی روانی لازم را نداشته باشد رخداد اقتصادی شدیدتر ذهنیت ترسناک‌تری را نسبت به تحریم‌ها برای مردم بازتولید خواهد کرد.

واکنش مردم جامعه هدف، به تحریم‌ها در دو سطح کمی و کیفی قابل مشاهده است و دارای متغیرهایی است که بررسی آنها واکنش‌های آینده را تا حدودی قابل پیش‌بینی می‌کند. واکنش‌های عمومی به صورت ترس، بی‌تفاوتی و پذیرش و همکاری سه وضعیت مختلف را به وجود می‌آورد. هر یک از این واکنش‌ها بستگی به این دارد که سیاستمداران برای مردم، درباره رخدادهای آینده چه بازتعریفی دارند؛ در ابتدا در یک طیف تاریخی سیاستمداران سعی در انکار اثر تحریم‌ها دارند سپس به مقبولیت نسبی روی می‌آورند و سعی در تقابل با آن دارند و مردم را به بسیج عمومی دعوت می‌کنند و در نهایت قبول اثرگذاری و نقطه تسلیم و پذیرش از سوی سیاستمداران، آخرین مرحله موضع‌گیری در برابر تحریم‌ها بوده است. این روند به‌طور کامل در طی قطعنامه‌هایی که برای دولت قبل صادر شد، به‌طور کامل رخ داده است و در دولت فعلی هم با تغییرات اندکی همین سیاست‌ها به‌همین ترتیب نسبت به عموم در حال پیگیری است. ابتدا نشان خواهیم داد هر یک از این موضع‌گیری‌های مسئولان، چه پیامدهای اولیه‌ای خواهد داشت و سپس در مورد نحوه رخداد آنها بحث خواهیم کرد. انکار تحریم‌ها عموم مردم را در باب مشکلات آینده بی‌خبر و منفعل بار می‌آورد و حاکمیت را در مقابل مشکلات پیش رو تنها خواهد گذاشت.

در طرف مقابل گسترش ترس و ارتباط تمام موضوعات داخلی به اثر تحریمی، موجی از تنش‌ها را برای جامعه به ارمغان خواهد آورد. تصمیم‌گیری‌های متعادل و طلب همکاری از جامعه، مواجهه با واقعیت‌های تحریم و شرح و بسط موضوعات برای مردم بهترین راهکار برای کاهش تلفات روانی و اقتصادی ناشی از تحریم‌ها است، جامعه‌ای که از وقایع آینده با خبر باشد، به هر ترتیب خود را برای شرایط سخت آماده خواهد کرد. این مفهوم ابتدایی تعامل با جامعه و قبول کردن سطحی از فشار برابر است با فعال کردن واحدهای خارج از حاکمیت در بطن مردم، برای گذار از تحریم‌ها؛ علاوه بر این پیام مناسبی برای فعالان اقتصادی است تا برای آینده برنامه‌ریزی کنند. در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشارهای موجود، اگر بتوان روحیه همدلی و همکاری بین مردم در مقابله با مشکلات ناشی از تحریم‌ها را تقویت کرد، این خود افزایش سرمایه اجتماعی را منجر خواهد شد که بیانگر جنبه‌ای از اقتصاد مقاومتی می‌باشد. همچنین می‌توان بیان کرد داشتن پیشینه خوب از عملکرد افراد جامعه و نهادهای موجود در آن، که در نتیجه‌ی ایجاد اقتصاد مقاومتی حاصل می‌شود، باعث پدید آمدن سرمایه اجتماعی و دوام آن در جامعه خواهد شد. در چنین زمانی اعمال سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، می‌تواند همه افراد جامعه را دربرگیرد و به دولت یا حکومت تبدیل نشود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با برقراری اقتصادی مقاومتی و پدیدار شدن سرمایه اجتماعی و افزایش آن، حضور و فعالیت اجتماعی افراد جامعه، با عملکرد اقتصادی بیشتر همراه شود و به تبع وجود سرمایه اجتماعی اعتماد مردم به یکدیگر و به نهادهای دولتی تامین شده و فضای آرام و باثباتی در جامعه فراهم می‌گردد. در نتیجه ثبات شرایط در جامعه فضا برای سرمایه گذاری و حتی ورود سرمایه گذاران خارجی فراهم می‌آید.

فهرست منابع و مآخذ

- اقدام نجیبه، زینال، (۱۳۹۴)، بررسی جایگاه سرمایه اجتماعی و تاثیر آن بر سرمایه گذاری در تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی در مقابل اعمال تحریم ها، عنوان مجمع: همایش ملی اقتصاد مقاومتی دانش بنیان.
- استاذزاد، علی حسین (۱۳۹۱)، تعیین سهم بهینه انرژی های تجدیدپذیر در قالب یک الگوی رشد پایدار: مورد ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی: دانشگاه شیراز
- عبدلی، قهرمان (۱۳۸۸)، «تخمین نرخ تنزیل اجتماعی برای ایران»، پژوهش های اقتصادی، ۹ (۳): ۱۳۵-۱۸۶
- طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۵)، "لابی یهودیان آمریکا، کارگزار تحریم ایران"، سیاست خارجی، شماره - ۸۳، ۱.
- درگاهی، حسن و قدیری، امرالله، (۱۳۸۲). تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی ایران با مروری بر الگوهای رشد درونزا، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۶، ص ۳۳-۱.
- برانسون، وی، اچ (۱۳۸۸). تئوری و سیاست های اقتصاد کلان (ترجمه عباس شاکری)، تهران: نی.
- سرآبادانی، غلامرضا (۱۳۸۵) تورم، عوامل، و راهکارهای مقابله با آن در ایران، اقتصاد اسلامی دوره ۶، شماره ۲۱. ص ۱۰۳-۱۲۸.
- تفضلی. فریدون (۱۳۷۶)، اقتصاد کلان (نظریه ها و سیاست های اقتصادی)، ویراست سوم، چاپ هفدهم
- طیب نیا. احمد (۱۳۷۴)، تئوری های تورم با نگاهی به فرایند تورم، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه تهران.
- تقوی مهدی و کهرام آزاد مهر، سلاطین پروانه (۱۳۸۶)، بررسی سهم تغییرات رابطه مبادله بر بی ثباتی نرخ ارز در اقتصاد ایران، پژوهشنامه اقتصاد، دوره ۷، شماره ۴.
- مرزبان، حسین، (۱۳۹۴)، تاثیر تحریم های اقتصادی بر تولید و رفاه اجتماعی ایران: رهیافتی از الگوی رشد تعمیم یافته تصادفی، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، مقاله ۲، دوره ۲۰، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۳۷-۶۹.
- رجبی، اعظم، (۱۳۹۵)، تاثیر تحریم اقتصادی بر رفاه اجتماعی مردم، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.